

گره های رنج

مهري خزايي

اول فروردين ماه هشتاد و هفت

گزارش - «نسیم» قالبیاف شانزده ساله ای است که در پی سه هفته سرفه و تب های متناوب و دفع خلط خونی با تشخیص سل ریوی تحت درمان قرار گرفته است.

قالی شرقی از دیرباز شناسنامه هنر مشرق زمین بوده است. هنری که از بافت دستی الیاف خودرنگ با طرحهای سنتی آغاز شد و گام به گام با پیشرفت صنعت، تکامل یافت و امروزه بخش عمده ای از بازار تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است.

هم اکنون نزدیک به چهل درصد از سهم صادرات فرش جهان متعلق به قالی دستباف ایران است و براساس آمار بانک تجارت جهانی در سال ۲۰۰۶ سهم ایران از صادرات یک میلیارد و ۳۱۰ میلیون دلاری دنیا بیش از ۴۳۶ میلیون و ۳۹۸ هزار دلار بوده است. همچنین پاکستان، ترکیه، هند، افغانستان و نپال از دیگر کشورهای منطقه هستند که در کنار ایران بخش عمده بازار فرش جهان را در اختیار خود دارند.

اما وضعیت تولید قالی در این کشورهای مادر، خود ستم نامه ای است از استثمار و بهره کشی از انگلستان هنرمندی که خلاقیت و هنر را بر رج رج تار و پودی که می بافند نقش می زنند.

بنا به تخمین «یونیسف»، در پاکستان دوازده میلیون کودک به کار تمام وقت می پردازند و بیش از ۹۰ درصد از صنعت قالبیافی پاکستان حاصل چرخش این انگلستان کوچک است که از سنین سه الی چهار سالگی به قیمت ۲۰۰ دلار برای پنج سال کار به فروش می روند و با دستمزدی معادل یک سوم کارگران بزرگسال به ۱۴ ساعت کار روزانه گماشته می شوند. هم اکنون بین پانصد هزار تا یک میلیون کارگر چهار تا چهارده ساله در این کشور پشت دارهای قالی و در آلونک هایی به وسعت دو و نیم در سه متر شانه به شانه یکدیگر تارها را برپود گره می زنند. بهای متوسط این قالی های نفیس در آمریکا نزدیک به دو هزار دلار است، رقمی بسیار بیشتر از دستمزدی که این کودکان در ازای ۱۴ ساعت کار روزانه به مدت شش روز در هفته و برای ده سال دریافت می کنند. در هر یک از این قالی ها بیش از یک میلیون گره به کار رفته که انگشت های نحیف و پینه بسته آن ها را یک به یک محکم کرده است. بیش از یک سوم این کودکان بر اثر استنشاق مداوم غبار پشم در اتاقک های فاقد امکانات بهداشتی، نور و تهویه مطلوب از نارسائی تنفسی رنج می برند و با بیماری سل دست و پنجه نرم می کنند.

این وضعیت در ایران، نپال، کشمیر، هند و افغانستان نیز بگونه ای مشابه است. بیماری سل همه ساله در نپال جان پنج هزار انسان را می گیرد که هشتاد درصد از آنان را کارگران صنایع نساجی و قالبیافی تشکیل می دهند؛ و در هند نیز تنها سیصد هزار کودک در کارخانجات قالبیافی به کار مشغول اند که چهل درصد از آنان از بیماری های تنفسی، سل و نقصان بینائی رنج می برند.

نگاهی به شرایط کار در کارگاه های قالبیابی ایران نیز شاهد دیگری بر این مدعا است. «نسیم» قالبیاب شانزده ساله ای است که در پی سه هفته سرفه و تب های متناوب و دفع خلط خونی با تشخیص سل ریوی تحت درمان قرار گرفته است. او می گوید به همراه هشت دختر دیگر دوازده ساعت از روز را در یک زیرزمین دو در سه که تنها یک در چوبی اجازه ورود هوا و نور خورشید را به آن می دهد، پشت دار قالی می گذرانند. او سومین زن قالی باف از این روستا است که طی یکسال گذشته به بیماری سل مبتلا شده اند. «رختیانی» سل مغزی هم داشت. با انجام تست جلدی توبرکولین و رادیوگرافی قفسه صدری می توان شمار بیشتری از کارگران آلوده به این عفونت را کشف و شناسائی کرد. کارگرانی که با رنج و بیماری برگره های قالی دفن می کوبند تا این مدینه فاضله همچنان چهل درصد از سهم بازار جهانی فرش را در اختیار داشته باشد.

دکتر مهری خزایی

متخصص بیماری های عفونی

دسترنج

۱۳۸۷/۱/۱